



# انتشارات فرهنگستان زبان ایران

شماره ۹





سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

اسکن شد

فرهنگستان زبان ایران

بررسی املائی دستنویسی از تفسیر سور آبادی

از  
کبری شیروانی



از این دفتر ۱۰۰۰ نسخه در بهمن ماه ۱۳۵۳ در چاپخانه تصویر به چاپ رسید .

گردآوری و شناسائی نکته‌هایی از املاي فارسي که در آنها از شیوه یگانه‌ای پیروی نمیشود، و بررسی برای یافتن شیوه‌ای که همگان آن را بپذیرند و بکار بندند و در نتیجه خواندن نوشته‌های این زبان آسانتر گردد کاری است که فرهنگستان زبان ایران از دو سال پیش آغاز کرده است. این بررسی دو بخش جداگانه دارد:

نخست بررسی املاي کنونی فارسي که خود چند بخش زیر را دربر گرفته است:

(۱) آگاهی از نظر و سلیقه همگان از راه يك پرسشنامه که بزودی چاپ و نشر خواهد شد. کوشش شده است که در این پرسشنامه همه نکته‌هایی که در نگارش آنها از شیوه یگانه‌ای پیروی نمیگردد آورده شود.

(۲) بررسی شیوه‌هایی که تاکنون پیشنهاد و در برخی از سازمانها و بنگاهها بکار بسته شده است.

(۳) بررسی نوشته‌های بچاپ‌رسیده این زمان که نویسندگان آنها از شیوه ویژه‌ای پیروی نکرده‌اند و شیوه املاي آنان نماینده سلیقه خودشان است.

(۴) بهره‌جویی از دانش ناخودآگاه و سلیقه فارسي‌زبانان درباره نکته‌هایی که در نگارش آنها از شیوه یگانه‌ای پیروی نمیشود، از راه املاء کردن آزمونهای ویژه به‌گروههایی از رده‌های گوناگون باسوادان.

(۵) بررسی خط فارسي در رابطه با چاپ و ماشین‌نویسی.

(۶) بررسی در آنچه رعایت زیبایی در املاي فارسي پدید می‌آورد.

دوم بررسی تاریخی در املاي فارسي از راه دستنویسهایی که در سده‌های گذشته نوشته شده و بجا مانده است. در این بررسی بهره‌های زیر پیش‌بینی شده است:

(۱) آگاهی از دگرگونیهای که در خط فارسي در سده‌های گذشته پدید آمده است.

- ۲) آشنائی بیشتر و ژرفتر با شیوه‌های املائی گذشته که در نتیجه آن خواندن نوشته‌های پیشین آسانتر خواهد شد.
- ۳) فراهم آوردن کتاب ویژه‌ای درباره تاریخ املائی فارسی .
- ۴) بدست آوردن آگاهی‌هایی که ممکن است به ما در پدیدآوردن شیوه یگانه املائی فارسی یاری دهد .
- ۵) آگاهی از تأثیرهای خط و املائی فارسی بر زبان فارسی .
- ۶) آگاهی از اثرهایی که از فرگشت (تحول) زبان فارسی در خط و املائی این زبان بیجا مانده است .
- ۷) آگاهی از اثرهایی که از زبان یا گویش رونویسگران در دستنویسها پدیدآمده است. برای این پژوهش تاریخی ، فرهنگستان زبان ایران دستنویسهای ارزنده‌تر را برگزیده و برای بررسی در دسترس پژوهشگرانی که آموزشهای بایسته را دیده‌اند گذاشته است . این دفتر نتیجه بررسی یکی از آنان به نام کبری شیروانی باقری در یکی از دستنویسهای یاد شده است که به راهنمایی آقای هرمز میلانیان انجام یافته و زیر نظر ایشان چاپ گردیده است.

صادق کیا

رئیس فرهنگستان زبان ایران

## فهرست مطالب

| یازده | درآمد                                     |
|-------|-------------------------------------------|
| ۱     | بخش نخست نکته‌های املائی در واژه‌های ساده |
| ۳     | آ                                         |
| ۴     | آن (ان)                                   |
| ۵     | -ان ( - آن)                               |
| ۵     | انج (= آنچه)                              |
| ۶     | انك (= آنكه)                              |
| ۶     | «الف» بزرگداشت                            |
| ۶     | -ام                                       |
| ۷     | -ام (= هستیم)                             |
| ۸     | -ای و -یی (= هستی)                        |
| ۹     | است                                       |
| ۱۱    | -ایم (= هستیم)                            |
| ۱۲    | -اید (= هستید)                            |
| ۱۳    | -اند (= هستند)                            |
| ۱۴    | این                                       |

هشت بررسی نکات املائی «تفسیر سوره آ بادی»

|    |                        |
|----|------------------------|
| ۱۵ | ب                      |
| ۱۶ | ب -                    |
| ۱۶ | به                     |
| ۱۷ | بی                     |
| ۱۸ | پ                      |
| ۱۸ | پی بندهای شناسه در فعل |
| ۲۰ | ت                      |
| ۲۰ | ة                      |
| ۲۱ | -تر                    |
| ۲۲ | -ترین                  |
| ۲۳ | تشدید                  |
| ۲۳ | ج                      |
| ۲۴ | چ                      |
| ۲۴ | چه                     |
| ۲۵ | خ                      |
| ۲۵ | ذ (=د)                 |
| ۲۶ | را                     |
| ۲۶ | ز                      |
| ۲۷ | س بجای ص               |
| ۲۷ | ش                      |
| ۲۷ | ضمیرهای ملکی           |
| ۲۸ | ظ                      |
| ۲۸ | عدد مرکب               |
| ۲۹ | ف                      |
| ۲۹ | فعل مرکب               |

|    |                                                         |
|----|---------------------------------------------------------|
| ۳۰ | قیدهای مرکب                                             |
| ۳۱ | ک                                                       |
| ۳۱ | گ                                                       |
| ۳۲ | که                                                      |
| ۳۳ | کی                                                      |
| ۳۴ | م -                                                     |
| ۳۵ | می                                                      |
| ۳۵ | ن                                                       |
| ۳۶ | ن -                                                     |
| ۳۷ | نامهای عربی                                             |
| ۳۸ | نشانه ندا : ای                                          |
| ۳۸ | و                                                       |
| ۳۸ | ها -                                                    |
| ۳۹ | همزه                                                    |
| ۴۰ | همی                                                     |
| ۴۰ | هیچ                                                     |
| ۴۱ | ی                                                       |
| ۴۵ | ی                                                       |
| ۴۹ | ر (= ء - یا ر -) بعنوان همخوان میانجی نماینده همزه یا y |
| ۵۰ | ی -                                                     |
| ۵۰ | ی -                                                     |
| ۵۳ | بخش دوم نکته‌های املائی در واژه‌های مرکب و مشتق         |
| ۵۵ | نامها و صفات مرکب (همکرد) که اجزاء آن جدا نوشته شده     |
| ۵۶ | پیشوندهای اشتقاقی                                       |
| ۵۷ | پسوندهای اشتقاقی                                        |



## درآمد

یکی از دستنویس‌هایی که برای بررسی تاریخی املاي فارسی برگزیده شده است دستنویسی از تفسیر قرآن کریم از ابوبکر عتیق سوراآبادی «سوریانی» است که عکس آنرا بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۵ خورشیدی چاپ و نشر نموده است.<sup>۱</sup> این دستنویس را در سال ۵۲۳ هجری قمری محمود بن گرگین بن گرگسار ترکی، رونویس کرده است و اصل آن در کتابخانه «دیوان هند» در لندن نگهداری میشود.

این پژوهش، دو بخش دارد: در بخش نخست تمام نکته‌های ویژه املائي در واژه‌های ساده بر پایه الفبائي ترتیب یافته است. تنها در مورد صورتهای وابسته زمان حال فعل «بودن» یعنی - ام، - ای، - است و - ایم، - اید، - اند، نخست - ام در جایگاه الفبائي خود آمده و سپس صورتهای دیگر که در يك مقوله جای دارند بدنبال آن یاد شده‌اند. در بخش دوم نکته‌های املائي واژه‌های مرکب و مشتق جداگانه بررسی شده است.

زیر هر عنوان، نخست يك یا دو گواه از نکته مورد نظر با جمله‌هایی که در آنها آمده یاد شده است و سپس چند نمونه دیگر از آن تنها با یاد کردن شماره صفحه و سطر داده شده است. در آوردن گواهان هر دو بخش، نخست شماره صفحه و

۱- برای آگاهی بیشتر از ویژگیهای این دستنویس نگاه کنید به پیشگفتار چاپ عکسی آن.

سپس شماره سطر پس از دو نقطه داده شده است . برای نمونه ۳۹۱:۸ یعنی سطر ۸ از صفحه ۳۹۱ .

در بخش نخست ، بخشهای يك عنوان اصلی با حروف ابجد و بخشهای فرعی هريك از آنها با شماره مشخص شده‌اند . ولی در بخش دوم به دلیل‌های فنی ، عکس این ترتیب رعایت شده است (نخست شماره و سپس حروف ابجد) . با آنکه جزئیات تمام موارد در متن این پژوهش به‌شیوه‌ای که یاد شد دقیقاً بررسی شده است ، بد نیست در اینجا نیز به برخی از ویژگیهای کلی که بررسی املائی این کتاب به‌دست داده است اشاره کنیم :

۱- در مورد نویسه‌های (حروف) هم‌شکل مانند ب، پ، ت، ث و ج، چ، ح، خ و ر، ز، ژ در بیشتر موارد نقطه‌گذاری و روش کنونی رعایت نشده است .

۲- در سراسر کتاب نویسه ڪ و ڪ با يك سرکش نوشته شده‌است و در برخی از موارد همزه‌ای نیز درون این نویسه قرار دارد .

۳- «به» بعنوان حرف اضافه یا پیشوند اشتقاقی معمولاً پیوسته به کلمات است و بندرت جدا از آن دیده می‌شود .

۴- «بی» بعنوان حرف اضافه یا پیشوند در سراسر متن جدا نوشته شده است ولی «هم» بعنوان پیشوند یا قید به صورت پیوسته و جدا هر دو آمده است .

۵- غالباً انواع ی ( y یا i ) در متن کتاب دارای نقطه‌ای در روی یا در زیر است .

۶- صورت کوتاه شده برخی از واژه‌ها مانند هیچیز (= هیچ چیز) نیز درخور ملاحظه می‌باشد.

۷- واژه‌های مرکب هم به صورت پیوسته و هم به صورت جدا آمده است .

۸- «پیشوند» فعلی «می» ، در متن کتاب جدا نوشته شده است .

کبری شیروانی

بخش نخست

نکته‌های املائی در واژه‌های ساده



## آ

الف - آ با مَدّ است:

آر : نبود بـاسخ گروه او او را مکرانک کفـدی بمـا آر عذاب خدای ،

۲۱۵:۱۳

و نیز :

آلات ، ۸۵۷:۱۷۳

آر ، ۱۱:۱۲۲

ب - در بیشتر موردها آ بی مَدّ است:

اسمانها : اسمانها و زمین وانک در ان است ، ۵:۱

و نیز :

انکسها ، ۱:۱۴

انج ، ۱:۱۴

براوردند ، ۳:۱۲

ایذ ، ۹:۱۳

## آن (ان)

به عنوان هر نام (ضمیر) یا گونواژه (صفت) اشاره

الف- پیوسته به واژه پس از خود:

انکسها : بدرستی کی انکسها کی می دوست دارند کی بدید اید و اشکارا

کردد در میان انکسها کی کرویده اند زشت کاری ، ۲۶:۱۴

انخلق : و گفته اند معناه افضل انخلق محمد رسول الله محمد ستوده ترین احمد

ستاینده ترین حنانستی کی خدای می کوبدی چون می ستایم ستوده-

ترین همه خلق محمد است ، ۴۰۳:۹

و نیز :

انکس ، ۳۹۱:۸ و ۲۱:۱۸

انکه ، ۲۲:۱۷

انرا ، ۲۲:۸

انج ، ۲۳:۱۸

انك ، ۲۷:۷

انست ، ۲۹:۱

انم ، ۱۶۳:۱۵

ب- جدا از واژه پس از خود:

ان کسها : و رها نیندم موسی را وان کسها کی باوی بوزند همکنان ، ۹۰:۹

ان نوه : و ایشان ان نوه عیار بوزند کی دران شهر فساد می کردند ، ۱۰۰:۱۲

و نیز :

ان کس ، ۴۳:۹

ان دوزخ ، ۱۲:۱۸

ان دلیل ، ۱۶:۱۳

ان دروغ ، ۲۱:۱۹

ان سال ، ۲۲:۴

## ان- (آن)

نشانه جمع

الف- پس از واژه  $\hat{a}$  بصورت - ان (نه - یان) :

ترسان : ییکار مکنید با اهل نامه جهودان و ترسان مکر بدانج ان نیکوتر

معنی عقل و حجت ، ۲۲:۱۰

و نیز :

داناان ، ۲۲۱:۴

نابینان ، ۵۲:۶

بشواآنی ، ۲۹۰:۴

ب- پس از «های ناملفوظ» بصورت - کان (= گان)

خاصکان : همچنین معرفت خاصکان را بود ، ۴۱:۱

و نیز :

شاستکان ، ۱۶۵:۱۲

پیشینکان ، ۵۸:۱۵

سحارکان ، ۲۰۱:۲

بافتکان ، ۱۸۹:۱۰

## انج (= آنچه)

انج : ان خدای کی سافرید آسمانها و زمین را و انج میان انست در شش

روز ، ۷۲:۳

بدانج : بدرستی کی خدای آگاه است بدانج شما می کنید ، ۴۸:۹

## انك (= آنكه)

الف- در پیوستن آن به كه :

انك : دیگر انك دست برهمه می‌زدند مغناطه رسول را ، ۳۰:۷

انك ۳۷:۱۱

ب- در ترکیبات دیگر :

جنانك ، ۳۰:۱۵

بذانك ، ۳۵:۲

## «الف» بزرگداشت

نمودار همزه میانجی بجای یای میانجی

جاآ : و بار کشتن جای ایشان دوزخ است و بذآ باز کشش جاآکی ان است ،

۴۹:۱۸

## - ام

نشانه عدد ترتیبی

الف- با الف و جدا از واژه پیش از خود:

سهام : سهام رافضی گفت عایشه مادر ما نیست ، ۳۱:۱۶

ششام : ششام شاذی بغلبه روم بر فرس ، ۲۴۰:۱۱

ب- با افتادن الف و پیوسته به واژه پیش از خود:

پنجمه : و پنجمه خشم خدای انكه رسول میان ایشان جدا می‌افکند ، ۲۰:۱۳

و نیز :

دوازدهم ، ۴۱۰:۱

سردهم ، ۴۱۰:۲

چهاردهم ، ۴۱۰:۲

## ام (= هستم)

صورت وابسته نخستین شخص مفرد فعل «بودن»

الف- با الف پس از واکه a که با «های ناملفوظ» نوشته شده است :

کننده ام : و کفت ابرهم من هجرت کننده ام ازین زمین ، ۲۱۳:۱۷

و نیز :

برجه ام ، ۱۹۳:۱۸

ب- با الف پس از واکه i که با ی نوشته شده است :

رسولی ام : بدرستی کی من شما را رسولی ام زینهار دار وحی خدای ترسید

از خدای و فرمان برید مرا ، ۹۹:۱۹

پیغامبری ام : من شما را پیغامبری ام ، ۹۸:۸

ج- با الف پس از واکه u که با واو نوشته شده است :

اوام : این خدای جهانیان کی می کوی من رسول اوام ، ۸۲:۱۲

د- با الف پس از همخوان پیوندناپذیر :

کافرام : و ایشان خود بدارند که من کافرام ، ۳۰۵:۹

ه- با الف پس از همخوان پیوندپذیر ولی جدا از واژه پیش از خود :

رحیم ام : و انج بقصد کنید خود غفور و رحیم ام ، ۲۹۶:۲

دین ام : من هم بران دین ام کی از بیش بوذم ، ۶۴:۱۶

و نیز :

ناصر ام ، ۸۱:۲

از سم کنندگان ام ، ۱۵۱:۷

خواهان ام ، ۱۶۲:۱۱

از خواء

و- با افتادن الف پس از همخوان پیوند پذیر و پیوسته به واژه پیش از خود:

منم : منم ان خدای کی خدایند همه جهان و جهانیانم ، ۱۶۹:۱۴

انم : بدرستی کی من نمازمند انم ، ۱۶۳:۱۵

و نیز :

جهانیانم ، ۱۶۹:۱۴

منم ، ۱۱۷:۱۴

انم ، ۱۲۷:۴

## - ای و - یی (= هستی)

الف- با افتادن الف پس از واژه  $\hat{a}$  که با الف نوشته شده است:

نابینایی : رسول گفت ار توجه حرب ایدکی نابینایی ، ۳۹۷:۲

ب- با افتادن الف پس از واژه  $e$  که با «های ناملفوظ» نوشته شده است:

کماشتهی : ای بو بر وی نکه بانی و کماشتهی تا بقهر او را بر حق داری ،

۶۸:۳

ج- با الف پس از واژه  $\hat{a}$  که با الف نوشته شده است:

جرا ای : گفت یا ام المومنین اندوهکن جرا ای کی خدای ان اندوه از دل

تو ببرد ، ۳۱۹:۲۰

ما ای : و تو از ناسباسان نعمت ما ای ، ۸۱:۹

د- با افتادن الف پس از همخوان پیوند پذیر و پیوسته به واژه پیش از خود:

دروغ زبانی : بدرستی کی ما می بنداریم کی تو از دروغ زبانی ، ۱۰۳:۱۲

آنی : جای شک نیست کی تو آنی که نعمت و صفت تو در کتب خوانده-

اند ، ۲۲۴:۵

## است

### بعنوان رابطه

الف- با الف پس از واکه a که بصورت «های ناملفوظ» نوشته شده است:

واسطه است : زیرا که ان واسطه است میان این جهان و ان جهان ، ۱۱:۸

نکرده است : و هبج کس این را انکار نکرده است ، ۱۱:۱۱

و نیز :

بذیرنده است ، ۲۱:۸

کرده است ، ۴۸:۲۵

فریضه است ، ۳۴:۳

سندیده است ، ۴۹:۶

ب- با الف پس از واکه o که با حرف واو نوشته شده است:

دو است : بی نیازی دو است بمال و بضاعت و ابن غنا محتمل است هردوی

نازی را ، ۳۷:۴

ج- با الف پس از واکه u که با حرف واو نوشته شده است:

او است : بدرستی کی او است کی می باز کردد ، ۷۶:۱

و نیز :

جاذو است ، ۸۴:۶

او است ، ۲۳۲:۱

د- با الف پس از واکه i که با حرف ی نوشته شده است:

دیوانکی است : یا می کویند او را دیوانکی است ، ۴:۱۳

سخنی است : و گفته اند معناه حقا کی ان سخنی است کی کوینده انست و

سودش ندارد ، ۱۱:۵

و نیز :

دوستی است ، ۵۳:۱۵

جبری است ، ۴۳:۱۸

هـ- بی الف پس از واژه i (= ی) و پیوسته به واژه پیش از خود:

کیست : بکوی با محمد کیست کی او را پادشاهی هر چیز ، ۸:۶

هم انجا بدیند کردی کصادق کیست و کاذب کیست ، ۲۱:۹

و- با الف پس از همخوان پیوند پذیر و جدا از واژه پیش از خود:

شتابانیدن است : همی بندگان کافران کی مدد کردن ما ایشان را مال و

بسران شتابانیدن است کی می شتابانیم اشان رادر نیکیها ،

۱:۴

و نیز :

مال است ، ۲۹:۴

بندگان است ، ۲:۱۵

خدا ی است ، ۳۵:۱۳

اکاه است ، ۳۴:۱۲

حجت است ، ۳۶:۱۴

همین است ، ۳۶:۱۹

رحیم است ، ۳۸:۱۹

ان است ، ۹۴:۱۷

ز- با الف پس از همخوان پیوندناپذیر:

بزرکوار است : و بزرکوار است و دور است از انج می انباز ارند بوی ،

۹:۲

و نیز :

سهر است ، ۳۹:۸

نور است ، ۳۹:۹

سبز است ، ۷۳:۶

ح- با افتادن الف پس از واکه  $\hat{a}$  که با الف نوشته شده است:

ماست : و نزدیک ماست نامه‌ی کی کوای می‌دهد سزا ، ۲:۱۴

و نیز :

بیذاست ، ۹:۲

شنواست ، ۲۸:۴

ط- با افتادن الف پس از واکه  $\hat{u}$  که با واو نوشته شده است:

اوست : خدای را کی اوست کی او راست بازشاهی هر حبر ، ۸:۹

و نیز :

اوست ، ۱۱:۱ و ۲۰۵:۱

بیکوست ، ۲۱۴:۱۶

ی- با افتادن الف پس از همخوان پیوند پذیر و پیوسته به واژه پیش از خود:

انست : و باز ایستند بدرستی کی بر رسول انست کی او را فرموده‌اند ،

۴۸:۱۵

ک- با افتادن الف پس از همخوان پیوند ناپذیر:

امرز کارست : باز بگفت یعنی کنیزکان را امرز کارست نه خداوند را

والله تعالی اعلم ، ۳۸:۲۰

ایم (= هستیم)

الف- با الف پس از واکه  $\hat{a}$  :

ما امه : گفتند یا رسول الله بدیخت‌ترین همه مردمان ما امه ، ۳۸:۳

توانا امه : انج ایشان را وعید می کنیم از عذاب توانا امه ، ۹:۱۶

ب- با الف پس از واکه e که با «های ناملفوظ» نوشته شده است:

قروذ ارنده امه : ما قروذ ارنده امه بر اهل این شهر عذابى از اسمان بدانج

بودند ، ۲۱۷:۱۷

نه امه : ما امن نه امه کى از نفس تا نفس ملك ترا زوال اید ، ۱۲۰:۱۶

ج- با الف پس از واکه o که با واو نوشته شده است:

تو امه : و اندوه مدار بدرستی کى ما رهاننده تو امه و خاندان تو ، ۲۱۷:۱۲

د- با الف پس از واکه i که با ی نوشته شده است:

کروهى امه : و ما هراينه کروهى امه عزم کمرنده حاذران بود کى حرم

خوسس بکیرد ، ۸۸:۵

ه- با الف پس از همخوان پیوند پذیر و جدا از واژه پیش از خود:

مظلومان امه : مرا بدن سخن ان دارند کى ما بدن دوزخ در مظلومان امه ،

۱۳:۴

جهانیان امه : نکوبید کى ما رسول خدای جهانیان امه ، ۸۰:۱۳

و- با الف و با افتادن الف پس از همخوان پیوند ناپذیر:

قادر امه : يعنى قادر امه بر انک ایشان را در حال حموه تو عذاب کنیم ،

۹:۱۷

شهرمه : گفتند بدرستی کى ما هلاک کنندۀ اهل ابن شهرمه ، ۲۱۵:۲۰

**- اید (= هستيد)**

با الف پس از همخوان پیوند پذیر ولى جدا از واژه پیش از خود:

خداوندان اند : شما کى خداوندان اند اولی تر باشید ، ۳۸:۱۱

و نیز :

کروندگان اند ، ۲۷:۱۱

خردمندان اید ، ۳۲:۱۸

## - اند (= هستند)

الف- با الف پس از واکه  $\hat{a}$  :

انجا اند : و اهل ست او در انجا اند و ایشان مسلمان اند ، ۲۱۷:۱

کجا اند : بس کویذ کجا اند انبازان من کی دعوی کردند ، ۱۸۸:۴

و نیز :

شما اند ، ۴۹:۲۰

ب- با الف پس از واکه  $e$  که با «های ناملفوظ» نوشته شده است:

که اند : و معلوم او خلق را بدید اید کی که اند مکذبان در ایمان ایشان جو

منافقان ، ۲۰۴:۷

و نیز :

فریشته اند ، ۲۲۹:۱۳

ج- با الف پس از واکه  $i$  که با  $y$  نوشته شده است:

کروهی اند : بدرسی که اینها یعنی بی اسرایل درجنب ما گروهی اند اندک

بدرستی کی ایشان ما را بخشم ارنده اند ، ۸۸:۴

متساوی اند : تا بدانند کی مردان و زبان همه در ان متساوی اند ، ۳۵:۲

و نیز :

کی اند ، ۲۰۴:۵ و ۲۰۴:۱۲

منهی اند ، ۹۳:۸

د- با الف پس از واژه u که با واو نوشته شده است:

جاذواند : گفتند موسی و مصطفی دو جاذواند هم پشت ، ۱۸۵:۱۰

ه- با الف پس از همخوان پیوند پذیر و جدا از واژه پیش از خود:

ایشان اند : هر کی کران آمد ترازوی وی و سختیهای او بنیکی ایشان اند کی

ایشان رستکاران اند ، ۱۲:۷

یافتگان اند : و سروز یافتگان اند ، ۱۲:۷

و نیز :

محرمان اند ، ۳۶:۶

میزان اند ، ۴۶:۳

بشک اند ، ۴۷:۱۳

نافرمان اند ، ۴۹:۱۱

و- با الف پس از همخوان پیوند ناپذیر:

کافرانند : و انکسها کی کافرانند ، ۴۲:۱۳

که راه تراند : نیستند ایشان مکر حو ستران بلکه ایشان که راه تراند از

ستور ، ۶۸:۷

و نیز :

نیازمنداند ، ۲۰۵:۹

## این

ضمیمه و صفت اشاره

الف- جدا از واژه پس از خود:

این نشسته : معنی این نشسته اند ، ۱۰۲:۱۹

و نیز :

اس گفته ، ۱۰۳:۱۹

ابن سخن ، ۱۳۵:۲

ابن قران ، ۱۰۴:۶

ابن نار ، ۱۱۱:۱۱

این تناقض ، ۱۱۲:۷

ابن را ، ۱۱۴:۱۲

این است ، ۱۳۲:۲

ب- پیوسته به واژهٔ پس از خود:

انجا<sup>۱</sup> : چرا انجا دل را خاص کرد ، ۱۰۴:۱۵ و ۱۱۲:۶ و ۱۱۳:۲

ج- افتادن الف «این» پس از حرفهای اضافه:

از بن : گفته‌اند مراد ازین سیات است و گفته‌اند مراد ازین خیرات است ،

۱:۱۶

و نیز :

در بن ، ۳۲۳:۱۲

بر بن ، ۳:۱۳

## ب

این نویسه گاهی بی نقطه است:

سم : بدرستی کی انکسها کی ایشان از سم خدای ایشان سمحانه و تعالی

ترسان باشند ، ۱:۷

بمال : ای همی بدارند کافران که مدد کردن مسا ایشان را بمال و بسران

شتابانیدن است ، ۱:۳

(۱) تنها همین مورد دیده شده است و این مورد نیز در حقیقت نه دو واژه بلکه يك «مركب صرفی» است.

## ۱-

### پیشوند فعلی

الف - پیوسته به فعل:

بفرستاد : و خدای تعالی این ایت را بفرستاد ، ۳۹۶:۱۶

و نیز :

می بگرفتید ، ۲۶:۱

برهانیدم ، ۱۰۲:۶

نماید ، ۲۷۶:۲۰

ب - پیوسته به فعل با ی (=y) میانجی پیش از واک‌های â و o :

بیاگاهانند : بس بیاگاهانند ایشان را بدانج کردند ، ۵۷:۶

و نیز :

بیافرید ، ۵۸:۱ و ۷۲:۳

سفتادسم ، ۱۳:۴ و ۱۳:۳

یادآوری - فقط در زمان حال فعل «دیدن» پیشوند «ی-» جدا از فعل نوشته شده:

به بیند ، ۷۴:۱۵ و به بنند ، ۷۴:۱۵

## ۲-

### پیشواژه (حرف اضافه)

الف - پیوسته به واژه پس از خود با افتادن «های ناملفوظ»:

بدرستی : بدرستی کی انکسها می دوست دارند کی بدیدایند و اشکارا کردد ،

۲۶:۱۴

بیک بار : چرا نه فرو فرستازند این قران را بر محمد همه بیک بار چنانک

توریت بر موسی کلیم ، ۶۵:۱۰

و نیز :

تعلیم ، ۵۰:۹

سخانه ، ۲۳:۱۸

بعیادت ، ۲۳:۱۶

فرمان ، ۴۱۱:۱۹

مذانج ، ۲۲۲:۱۱

بزفان ، ۲۶:۱

ب- جدا از واژه پس از خود:

به بیهوده : و چون بگذرند به بیهوده و ناشایست بگذرند ، ۷۶:۴

به پیغامبران : و برسان مرا به پیغامبران و شایستهکان ، ۹۳:۷

و نیز :

به منح استر ، ۲۳۴:۷

## بی

پیشواژه (= حرف اضافه)

جدا از واژه پس از خود:

بی اذن : اگر کسی را عذری بودی بی اذن رسول غایب شدی بس او نه-

مسلمان بودی ، ۵۴:۱۶

بی همز : ای پیغمبر بزرگوار انشی بهمز خوانده اند و بی همز معروف تر و

بهرتر ، ۲۹۲:۳

و نیز :

بی اضافت ، ۱۵۰:۱۳

بی اکامی ، ۱۵۹:۱۵

(و نیز نگاه کنید به پیشوند بی )

## پ

الف - پ گاهی با يك نقطه است:

بناه : و بناه می گیرند بناه گرفتنی و ان منافقان بودند ، ۵۶:۱۴  
 بساکیزه : افرینی بود از خدای شما سبحانه و تعالی بیرکت و خوش و  
 باکیزه ، ۵۴:۶

بذران : یا از خانها بذران شما یا از خانهای ماذران شما ، ۵۳:۲

و نیز :

بنسی کمرندکان ، ۲:۲

ب - پ گاهی بی نقطه است:

س روی : و کر س روی کردی حق کامهای ایشان را تبه شذی ، ۴:۲۵  
 نبح : مثلاً در سالی يك ماه روزه و از ده درم نبح درم زکوه و در شبان روز  
 نبح نماز حنین بکلیف فضل بود ، ۲:۱۱

و نیز :

سغامبر ، ۱:۱۶

## پی بندهای شناسه در فعل

الف - ام در ماضی نقلی (گذشته پرداخته)

اورده ام : بدانش خویش و زیرکی خویش بدست اورده ام ، ۱۹۷:۱۸

ب - ی و - ی در ماضی نقلی و مضارع:

گرفته ی : و تو این بنی اسرايل را سخره گرفته ی ای نه در خورد عدل تو

باشد ، ۸۱:۳

و نیز :

کداشته‌ی ، ۶۵:۴

کرده‌ی ، ۲۵۹:۱۸

ندانسته‌ی ، ۱۲۴:۱۸

نمای ، ۹:۴

کوی ، ۳۹:۹

ج- در مورد است نگاه کنید به بخش «است» :

د- -ایم در ماضی نقلی:

کرده‌ام : ای نکه نکردی که ما کرده‌ام شب را تا کر خواهند ارام گیرند

در آن ، ۱۴۹:۵

و نیز :

داده‌ام ، ۳۳۲:۵

ه- -اند در ماضی نقلی:

ایستاده‌اند : زیرا کی این خلق همه بوحدانیت خدای و دین خدای راست

ایستاده‌اند ، (؟) ۱۵۳:۸

و نیز :

گفته‌اند ، ۱۴۳:۸

داده‌اند ، ۲۲۴:۱۵

ندانسته‌اند ، ۲۳۲:۱۰

و- -یم در ماضی مطلق (فعل گذشته ساده) :

گفت به : چرا گفت به تول عنهم باز کرد از ایشان ، ۱۲۶:۱۰

## ت

ت سماهی بی نقطه است:

اسب : زیرا کی اسمانها و زمین بتوحید و موحد بر بای اسب ، ۵:۶  
تعالی : و انکسها کی ایشان نشانهای خدای سبحانه و تعالی گرویده می-  
باشند ، ۱:۹

## ة

(«ت» زائد عربی)

الف - با نقطه:

معصية : امروز معصية کاری فردا بهشت نروید ، ۲۶۴:۱  
نعمة : و کر نعمة بتنویس خوانی لفظ وحدان بود ، ۲۷۵:۱۴  
حیوة : و اسمان و زمین و جبال را حیوة نیست ، ۳۹۳:۱

ب - بی نقطه:

قدره : و هم نعمت حجت بر قدره خدای تعالی از ان روی است کی مختلف  
است ، ۱۹۱:۳

ایه : خدای تعالی ابن ایه را بفرستاد ، ۲۲۸:۷  
زکوه : و انکسها کی می دهند انج دهند یعنی زکوه و صدقات ، ۱:۱۴  
حیوه : یعنی قادرایم برانک ایشان را درحال حموه عذاب کنیم ، ۹:۱۷

ج - بصورت ت دو نقطه فارسی:

توریت : جرا نه فرو فرستازند ابن قران را بر محمد همه بیک بار جنانك  
توریت بر موسی کلیم ، ۶۵:۱۵

و نیز :

ایات ، ۷۶:۱۸

اضافت ، ۴۲:۲

ایت ، ۴۷:۷

## - تور

نشانه گوناواژه برتری (صفت تفضیلی)

الف- پس از همخوان پیوندپذیر و پیوسته به واژه پیش از خود:  
فاضلتر : کومه نارسول از رسول فاضلتر نبود اما باشد کی نارسول را  
نوعی بوذ ، ۱۳۳:۱۱  
دوستر : ولکن دنیا را از تو دوستر دارذ ، ۵۳:۱۲  
کهر : خون خشمه گرفتندی ان کهتران و خادمان را از انجا سرنکوسار  
فروافکندندی ، ۹۹:۱

و نیز :

بزرکتر ، ۲۲۲:۴

مهتر ، ۲۴۷:۱۶

ب- پس از همخوان پیوندپذیر ولی جدا از واژه پیش از خود:  
معروفتر : ای سغامر بزرکوار النشی بهمر خواندهاند و بیهمز معروفتر  
و بهتر زیرا کی در خبر است ، ۲۹۲:۴  
اسانتر : و ان افریدن دکر بار بروز وی اسانتر از افریدن اول ، ۲۴۶:۱۴  
که راهتر : کی بوذ که راهتر از انکس کی بس روی کرد ، ۱۸۱:۱

و نیز:

فاضلتر ، ۱۳۳:۱۵

تمام تر ، ۴۰:۱۵

روشن تر ، ۴۱:۷

رحیم تر ، ۱۵:۲۰

بالکتر ، ۳۳:۱۲

صواب‌تر ، ۳۳:۱۲

ج - افتادن دال و ت پایان واژه هنگام پیوستن به -تر :

تر : زیرا کی برتن مردم ازین دو چیز بهتر نبود و هم ازین دو چیز تر

بود ، ۲۶۳:۱۳

دوستر : ولکن دنیا را از تو دوستر دارد ، ۵۳:۱۲

### - ترین

نشانه گوناواژه (صفت) عالی

الف - پس از همخوان پیوندپذیر و پیوسته به واژه پیش از خود :

صعبترین : و زندان وی صعبترین عذابی بودی کی زندانی در زندان وی

بمردی ، ۸۳:۱۱

بزرگترین : وانکس کی بذیرفت از ایشان بزرگترین ان دروغ را ، ۲۱:۱۸

و نیز:

کمترین ، ۹۵:۱۳

ب - پس از همخوان پیوندپذیر ولی جدا از واژه پیش از خود :

تمام ترین : کومه خدای تعالی خود تمام ترین تکذیب بکرد ایشان را در ان

بهتان بدانج گفت ، ۲۶:۱۹

بدبخت ترین : یا رسول الله بدبخت ترین همه مردمان ما ام ، ۳۸:۳

و نیز:

عاقل ترین ، ۱۰۴:۱۸

نزدیک ترس ، ۱۸۷:۹

سست ترین ، ۲۲۵:۱۰

ج- افتادن دال و ت پایان واژه هنگام پیوستن به - ترین :

بترن : وی گفت برو بترین حمزی از ان ان کوسبند بمن آر ، ۲۶۳:۱۰  
 زشترین : بدرستی کی زشترین و ناخوش‌ترین اوازا اواز خران است ،  
 ۲۷۰:۷

### تشدید

گاه علامت تشدید بکار رفته:

ذرّه ی : اگر در دل وی ذره‌ی کبر بوذی من او را جنانک باسمان می‌برارم  
 بزمین فرو بردمی ، ۱۲۰:۶

و نیز :

مقّه ، ۱۲۳:۱۶

بران ، ۱۷۲:۶

معبّران ، ۱۵۴:۹

ردّ ، ۱۳۲:۷

سُنّی ، ۱۳۵:۱

بعزّ ، ۱۲۵:۱

### ج

این نویسه گاهی بی نقطه است:

جمع : تشبیه و جمع و وحدان دران متساوی بوذ ، ۶:۱۴

حمله : این حمله تفسیر ان است ، ۲۳۹:۱۱

و نیز :

جهد ، ۲:۸

حای ، ۳۹۲:۶

## چ

الف- این نویسه گاهی بی نقطه است:

همح : و در نه خواهیم ما از مح تن فکر فراخ توان ان تکلیف سه قسمت

بود ، ۲:۴

و نیز :

حنین ، ۲۰:۲۰

ههل ، ۲:۶

حرا ، ۲:۱۶

حه ، ۷:۸

حیست ، ۳۹۲:۶

حشم ، ۳۹۳:۳

ب- و گاهی با يك نقطه است:

جه : کی تو جه کوی درین حدیث ، ۲۳:۱۱

جه : جه فرق است میان تجارت و بیع ، ۴۱:۱۷

## چه

الف- بعنوان ضمیر یا صفت پرسشی جدا از واژه پس از خود:

جه دیدی : از قوت و امانت جه دیدی ، ۱۶۴:۱۸

و نیز :

جه جواب ، ۱۲۶:۱۰

جه حرب ، ۳۹۷:۱

جه کوی ، ۲۳:۱۱

ب- در ترکیبات پرسشی و پیوسته به واژهٔ پس از خود:

حکونه : جون باز کشت جگونه نکه کردی بحواب ایشان ، ۱۱:۱۲۶

و نیز :

جرا ، ۴:۱۳۳

ج- نگاه کنید به انج (= آنچه )

## خ

این نویسه ۳ ماهی بی نقطه است:

دوزح : می سوزاند روبه‌های اشان را اتش دوزح و ایشان در ان دوزح

زشت رویان باشند ، ۱۸:۱۲

فرحان : ملطعه‌ی نبشت در سر بفرحان کی شهر ابراز را هلاک کن منشور

بفرحان رسید ، ۱۹:۲۳۸

و نیز :

حلعت ، ۱۹:۲۳۸

## ذ (= د)

بذران : گفتند یافتیم ما بذران ما کی همچنین می کردند ، ۲:۹۱

دارذ : کی خدای ناله‌ی بنده دوست دارذ جنانك صبر دوست دارذ ، ۵:۳۹۰

خدای : ایوب گفت این رحمت خدای است ، ۱۴:۳۹۰

و نیز :

کویذ ، ۱۷:۸۵

کروینذ ، ۱۹:۸۵

فرستازی ، ۲۰:۸۶

کذام ، ۲۰:۱۶۷

## را

الف - پس از همخوان پیوند پذیر ولی جدا از واژه پیش از خود:  
 مغی را : در اخبار است کی خدای سبب مغی را بفرستاد ، ۸۹:۲  
 اسر ایل را : موسی بنی اسر ایل را ببهانه عیدی سرون برد از مصر ، ۸۷:۱۸  
 و نیز :

قران را ، ۶۵:۱۰

فرشتگان را ، ۶۲:۱۱

وی را ، ۱۵۷:۸

ب - پس از همخوان پیوند پذیر و پیوسته به واژه پیش از خود:  
 ترا : انکه وحی کرده ما موسی صلوات الله علیه کی بزنی عصای ترا بر  
 دریا ، ۸۹:۱۴

انرا : تا بدارم بدان دل ترا و بدارم انرا در دل تو ، ۶۵:۱۳

و نیز :

زنا ، ۲۰:۱۲

ویرا ، ۱۳۶:۵ و ۱۶۸:۱۱

ایشانرا ، ۱۴:۵ و ۹:۲۰

## ز

این نویسه گاهی بی نقطه است:

رنده : و او ان خدای است کی رنده کند شما را و بمراند ، ۷:۱

رور : و اوراست فادوای شب و رور و شد و امذ ان ، ۷:۶

و نیز :

نمار ، ۱۰:۶

## س بجای ص

سذ : و سذ چوب بزئید ، ۱۷:۱

و نیز :

شست ، ۱۲۸:۶

## ش

این نویسه گاهی بی نقطه است:

سما : سما ما را می این حنن نشان دهد ، ۴۱۲:۵

حسمش : در را حسمش بزبی نامحرم افتاد ، ۴۱۴:۵

و نیز :

کستم ، ۳۹۴:۵

لسکر ، ۳۹۴:۵

اسان ، ۱:۱۹

## ضمیرهای ملکی

الف - ضمیر اول شخص مفرد بصورت -ام و جدا از واژه پیش از خود:

حاجت ام : و دیگر حاجت ام انست کی سرم حوان کردم ، ۱۲۲:۴

طاقت ام : و طاقت ام بش نماند ، ۱۹۵:۴

ب - ضمیر دوم شخص مفرد پس از همخوان پیوندناپذیر:

مذذرت : بار خذایا سکوی نا کی کمه گفت با مذذرت ، ۲۶۶:۱۶ و

۲۶۶:۱۸، ۱۷

ج - ضمیر سوم شخص مفرد پس از همخوان پیوندپذیر و پیوسته به واژه پیش از خود:

دشنامش : همی زذ و دشنامش همی داذ ، ۱۸۵:۱

و نیز :

مکافاتش ، ۱۸۵:۱۳

دلش ، ۲۶۹:۶

نامش ، ۱۹۸:۶ و ۲۶۵:۹

جشمش ، ۱۲۷:۱۶

(ضمایر ملکی جمع بصورت جدا نوشته شده است.)

## ظ

این نویسه گاهی بی نقطه است:

بلفظ : از ان بلفظ نطق و شهادت خبر کسید ، ۲:۱۸

محفوظ : گفته اند مراد از بن نامه لوح محفوظ است ، ۲:۱۴

و نیز :

نظاره ، ۱۲۰:۳

مطلوم ، ۱۳:۷

## عدد مرکب

الف - پیوسته:

ششصد : جندانك لشكر موسى ششصد هزار سوار بجز كودك و ببر و بحر

زنان ، ۸۸:۱

و نیز :

هستصد ، ۵۶:۷

سبصد ، ۱۷۰:۱

هفتصد ، ۱۲۴:۸

نهصد ، ۲۰۹:۷

ب- جدا:

هفت هزار : هفت هزار از ایشان زهره بجکیند ، ۸۳:۱۸

و نیز :

سی هزار ، ۹۵:۳

نه صد و پنجاه ، ۲۰۹:۲

شش صد و شصت و شش ، ۲۲۵:۲۰

## ف

این نویسه گاهی بی نقطه است:

افریده : هر خدای اسح افرید یعنی نصیب خویش از افریده جدا کردی ،

۸:۱۷

و نیز :

کف ، ۱۰:۶

کفسد ، ۱۰:۸

## فعل مرکب

فعلها و مصدرهای مرکب جدا نوشته شده است:

نکه داشت : و نصیحت از ان همه اعلا نکه داشت ، ۱۱۷:۱۶

و نیز :

نکه دارد ، ۹۱:۱۲

شاذی کشید ، ۱۳۰:۱۳

نکه دار ، ۱۰۲:۴

## قیدهای مرکب

الف- انجا (پیوسته نوشته شده):

انجا : دانست کی هم اکنون کس اید از بس وی هم انجا کی هودح وی

بوذ ، ۲۲:۱۳

ب- اینجا (پیوسته نوشته شده):

انجا : ای دست بخوانند داشت شما را درین نعمت و کاه رانی که

انجاست ، ۱۰۰:۶

ج- هم (در صورت های مرکب):

۱- جدا:

هم جنان : و انج در سش اشان نهاده هم جنان بوذ کی از اول بوذ ، ۵۶:۵

و نیز :

هم جن ، ۲۴۳:۱۴

(نیز نگاه کنید به پیشوند هم)

۲- پیوسته به جزء بعد:

همجنین : و کر چه بدان نرسیده بوذ اش همجنین خواهذی کی خصال

حمده در دل عارف بر فروزدی ، ۴۰:۸

و نیز :

همن ، ۵۲:۸

همجنانك ، ۲۴۷:۱۳

همجنان ، ۲۴۷:۱۳ و ۵۲:۱۷

همجنین ، ۹۱:۲

همجن ، ۱۰۰:۱۸

(نیز نگاه کنید به پیشوند هم)

د- يك (در قیدهای مرکب):

۱- جدا:

يك سر : موسى همی بك سرروی از ان بگردانید ، ۱۱۲:۱۰

و نیز :

بك جانب ، ۲۲:۲۰

يك بار ، ۲۳۴:۵

۲- پیوسته به جزء پس از خود:

بكچند : خون يكچند برآمد زید او را دست بر بداشت ، ۲۹۴:۲۰

و نیز :

يكسان ، ۲۴۷:۱۱

يكچند ، ۲۹۰:۴

## ك

این نویسه گاهی بی سرکش است:

دی : زیرا دی گفت اعتدنا در ماضی است ، ۶۰:۶

## گ

الف- در این کتاب همیشه با يك سرکش است:

كستندی : ربعی از وی در دل اعدا افتادی معهود وی كستندی ، ۳۹۴:۱۴

اكر : و اكر ایشان را حقى بوذ بیايند بر رسول كردن نهاده شتابان فرمان-

برداری ، ۴۷:۱۱

كروهی : كروهی از ایشان از بس انك در بیش رسول فرمان برداری

نمودند ، ۴۶:۱۸

ب۔ ك و گ گاهی با علامت همزه همراه است:

ملک : و گفته اند کی وزیر ملکی بـوز ان ملک بیغامبران را حبس کرد ،

۳۹۱:۱۸

و نیز :

اندک ، ۱۵۳:۷

شرک ، ۲۴۹:۲۰

جنانک ، ۱۷۰:۱۹

دردناک ، ۲۶:۱۶

بزرک ، ۸:۱

سنگ ، ۱۲۶:۶

## ۴۵

الف۔ در کلمه بلکه :

۱- جدا:

بل که : مکر خدای غیب دان بل که چندان فرا رسیده است و بهم رسیده است ،

۶۸:۱۵ و ۱۴۲:۱۶

۲- پیوسته:

بلکی : بلکی می ترسند کی ستم کند بر ایشان خدای و رسول او ، ۴۷:۱۵

و نیز :

بلک ، ۶۰:۴

ب۔ بعنوان حرف ربط یا موصول:

۱- جدا از واژه:

دانی که : بار خدایا دانی که دینار ترا می کریم کی مبادا کی از دینار تو

ماز مانم ، ۱۰۴:۳

بدرستی که : بدرستی که من انم کی رسانیدند بمن نامه‌ی بزرگوار ،

۱۲۷:۴

و نیز :

بذات که ، ۲۱۶:۱۵

۲- پیوسته به واژه:

کجیون : و انکسها کجیون ایشان را بند دهند بایتهای خدای ایشان بر نمفتند ،

۷۶:۸

کسخن : و گفته‌اند این امر است بصدق سخن کسخن راست گوید ،

۳۶۱:۲

و نیز :

کصادق ، ۲۱:۹

کصابران ، ۷۷:۲

کصبر ، ۲۲۹:۵

کهمیشه ، ۱۷۸:۱

کمصباح ، ۳۹:۱۵

کعادت ، ۱۵۶:۱۳

۳- نیز نگاه کنید به انك .

## کئی

الف- دو نقطه روی ی :

کئی : ایشان اند انکسها کئی ساداش دهند ایشان را درخت بلند بدانج صبر

کردند ، ۷۶:۲۰

کئی : بدرستی کئی انکسها کئی می دوست دارند کئی بدین اید و اشکارا

کردذ ، ۲۶:۱۴

ب- دو نقطه زیر ی :

کی : ان کذام حق است کی اگر ان بر موافقت ایشان بوزی هفت اسمان و  
زمین زبر و زبر شندی ، ۵:۲

ج- که بصورت کی :

کی : بدرستی کی انکسها کی ایشان از سم خدای ایشان سمحانه و تعالی  
ترسان باشند ، ۱:۷

و نیز :

کی ، ۱:۴ و ۸۹:۲

د- ك و گ پایانی بصورت ک :

سرک : ای سرک من بدرستی کی ان معنی روری تو ، ۲۶۸:۹  
مرک : بلك ایشان بباز زسیدن بخدای ایشان معنی بانکه بختن از بس مرک  
ناکرویندگان اند ، ۲۸۳:۱۳

#### ۵-

پیشوند نهی در فعل

این پیشوند گاهی در افعال بجای «نون نفی» است :

مکن : درین دعا کی مرا با کافران در عذاب گرفتار مکن ، ۹:۶

و نیز :

مکنید ، ۵۶:۸

مکوبد ، ۵۶:۹

مکشید ، ۱۵۴:۱۹

مکوی ، ۱۶۵:۲

## می

## پیشوند صرفی در فعل

الف- جدا از فعل :

می‌بنداشتید : و می‌بنداشتید کی ان خوار و خوُرد سخنی است ، ۲۶:۵  
و نیز :

می‌خایید ، ۲۶:۲

می‌کنذ ، ۲۶:۱۲

ب- جدا از فعل با يك كلمه یا يك پیشوند :

می‌انکار کردند : اما وحدانیت او را می‌انکار کردند ، ۷:۱۹  
و نیز :

می‌خوش نیابد ، ۲۳:۱۲

می‌برآمد ، ۲۲:۱۲

می‌وصف کنند ، ۱۰:۱

می‌بدروغ داشتید ، ۱۳:۱

می‌نه بینند ، ۲۴۸:۲

ن

این نویسه گاهی بی نقطه است:

نمسمان : بلك امد باشان انج نیامذ بیذران اشان نمسمان از رسول و کتاب

و شریعت ، ۴:۱۰

کمد : از ان بلفط نطق و شهادت خیر کمد ، ۲:۱۸

## ذ -

پیشوند نفی در فعل

الف - جدا از فعل :

نه خواهند : و کر برحعون برفع تا و فتح جیم خوانی شما را ما نه خواهند

کردانید ، ۱۵:۷

و نیز :

نه ایستی ، ۹۷:۱۴

نه فرستادی ، ۱۷۹:۱۷

نه رسانند ، ۳۳۹:۴

نه خورم ، ۵۲:۶

ب - پیوسته به فعل :

نترسید : و نترسید از وی کی او را همتا و انبار کویند ، ۸:۴

و نیز :

نخورم ، ۶۴:۱۲

سایند ، ۳۹۶:۱۷

نمانده بود ، ۲۲:۱۱

نمی نکرست ، ۱۵۶:۲۰

نمی دانستند ، ۱۵۷:۱۶

ج - پیش از واژه و با همخوان میانجی ی (y =) :

۱- با الف :

نیافرینند : و بگرفتند مشرکان از فرود او خدایانی نیافرینند چیزی و ایشان

را خود می افرینند ، ۵۸:۶

۲- با افتادن الف در خط :

نیستی : گفتند ای لوط کر بار نیستی ازین انکار بر لواطه هراینه باشی ار

سرون کردکان از شهر بخواری ، ۱۰۱:۱۹

و نیز :

نیفتی ، ۹۱:۱۳

نیفتد ، ۷۶:۹

## نامهای عربی

الف - با افتادن الف در آغاز کلمه :

بو بکر ، ۲۳:۱۹

بوطالب ، ۱۸۴:۷

ب- با افتادن الف در میان کلمه :

رحمن : خدای رحمن و رحیم از بنده این در نخواست ، ۲:۱۰

و نیز :

ابرهیم ، ۱۶۵:۲۰

اسمعیلی ، ۶۲:۸

لقمن ، ۲۶۳:۱۶

هرون ، ۶۶:۸

عثمن ، ۴۱۴:۵

اسحق ، ۱۶۵:۱۷

(استثنا : اسحاق ، ۲۱۴:۵)

## نشانه ندا : ای

الف - «نشانه ندا» جدا از واژه پس از خود :

ای مومنان : ای مومنان ای سنیان حماعتیان درمشوئند درخانهای رسول مکر

دستوری دهند شما را ، ۳۴۹:۶

و نیز :

ای موسی ، ۱۶۱:۱۷

ای سرانحمنان ، ۱۲۷:۴

ای مردمان ، ۱۱۵:۱۴

ای بارخدای ، ۱۶۳:۱۴

ای سرک ، ۲۶۵:۱۹

## و

رسم الخط گروه آوائی vo یا vu :

طاوس : طاوس اواز داد گفت ، ۱۱۶:۲

تعاوون ، ۱۳:۲۰

## ها

نشانه جمع

الف - پس از همخوان پیوندپذیر و پیوسته به واژه پیش از خود :

انکسها : بدرستی کی انکسها کی ایشان از سم خدای ایشان سبحانه و تعالی

ترسان باشند ، ۱:۷

و نیز :

تاریکیها ، ۴۳:۹

نیکیهها ، ۱:۴

ناریکیها ، ۴۳:۵

نعمتها ، ۱۸۶:۵

ب- پس از همخوان پیوندپذیر ولی جدا از واژه پیش از خود :

ان ها : و بحای ان ها بستند ، ۴۲:۳

اس ها : و گفته اند اس ها خبر از خدای است ، ۴۴:۴

ج- پس از «های ناملفوظ» :

۱- پیوسته به واژه پیش از خود با افتادن «های ناملفوظ» :

کاسها : نان از تنور باز همی کردیم و در کاسها همی شکستم ، ۵۶:۳

و نیز :

مدرسها ، ۴۱:۱۲

خانها ، ۵۳:۲

بیرانها ، ۲۴۳:۶

هدیها ، ۷۷:۴

وسوسها ، ۲۷:۱۲

۲- جدا از واژه پیش از خود با افتادن «های ناملفوظ» :

میوها : و می آرند بدان شهر میوهای هر چیز یعنی از هر گونه میوها و نعمتها... ،

۱۸۶:۴

## همزه

افتادن نشانه همزه از واژه های عربی که با «الف» یا «واو» نوشته شده

الف- پس از واژه a :

تادیب : کوسه این امر تخفیف بذران و ماذران اطفال راست بتعلیم و تادیب

ایشان کوذکان را ، ۵۰:۹

۴۰ بررسی نکات املائی «تفسیر سورآبادی»

و نیز :

شان ، ۲۲:۲ و ۴۶:۱۹ و ۴۷:۶

بتاخیر ، ۵۹:۲

ب- پس از واژه ۵ :

مونث : و معنی ان در این موضع مونث است ، ۳۲۳:۱۲

و نیز :

سوال ، ۲:۱۵ و ۴:۱۶

مومنی ، ۳۵۳:۱۷

### همی

پیشوند فعلی جدا از فعل

الف- جدا از فعل با فاصله :

همی ... باشند : و رسول او تا حکم کند میان ایشان همی گروهی از ایشان

برگردنده باشند ، ۴۷:۹

ب- جدا از فعل بی فاصله :

همی برسند : وان دادن زکوه نفس همی برسند از روزی کی بکردد ... ،

۴۲:۴

و نیز :

همی زند ، ۴۰:۱۳

### هیج

همیشه جدا از واژه پس از خود :

هیج جیز : ترسایان گفتند کجهودان برهمج جیز نیستند راست گفتند ، ۳۱:۱۳

و نیز :

همج گونه ، ۱۱۸:۲

همچ شب ، ۱۹:۱۹۰

همچ چیز ، ۱۴:۳۱

## ی

الف - بعنوان «الف مقصوره»:

موسی . بدرستی کی ما موسی را بداذمه نامه یعنی توریت ، ۹:۲۸۹

و نیز :

مصطفی ، ۲۰:۸۹

موسی ، ۱:۸۸ و ۲۰:۸۹

موسی ، ۱۲:۱۶۱

ب - بعنوان «یای نکره»:

۱- پس از واژه  $\hat{a}$  که با الف ننوده می‌شود. در این مورد همخوان میانی (ی = y) یا همزه نوشته نشده:  
(خدای = خدائی یا خدایی)

خدای : مردوان شوید بفرعون جبّار کی دعوی خدای می‌کند ، ۱۲:۸۰  
روشنای : ای بار خدای ما سخش ما را از زنان ما و فرزندان ما روشنای  
حشمتها ... ، ۱۲:۷۶

کارهای : و ایشان را کارهای است ، ۵:۳  
ادبهای : و این ادبهای است کی خدای تعالی زنان را دراموخته است ،  
۱:۳۲۵

۲- پس از «های ناملفوظ» با افتادن الف نمودار همزه میانی: ستاره‌ی ( = ستاره‌ای):

نامه‌ی : و نزدیک ماست نامه‌ی کی کواهی می‌دهد بسزا گفته‌اند مراد از بن  
نامه لوح محفوظ است ، ۱۴:۲  
ابکینه‌ی : ان حراغ در ابکینه‌ی کمصباح فی زجاجه فی مشکوه مثل معرفت  
حو چراغی است ، ۱۵:۳۹

ستاره‌ی : و ان ابکینه کوی ستاره‌ی است ، ۳۹:۱۸  
 سوره‌ی : ابن سوره‌ی است کی بفرستاد ، ۱۶:۷  
 بنده‌ی : مکرانج بنده‌ی نیک گفت ، ۲۴:۱۵  
 قصه‌ی : دوست داشتندی کی بنرول قصه‌ی کی امندی حاضر بوذندی ،  
 ۸۶:۱۹  
 بیکانه‌ی : خدای تعالی ان کوشک را مقام کریم خواند مخلوقی بر دیوار  
 بیکانه‌ی این کلمات نبش ، ۸۸:۱۳

۳- پس از همخوان پیوندپذیر و پیوسته به واژه پیش از خود :  
 ستمی : بدرستی کی آوردند ستمی بر خوشستن و بهتانی بر محمد ، ۵۸:۱۴  
 و نیز :

کوشکی ، ۹۸:۱۳  
 جعلی ، ۱۰۰:۱  
 نشانی ، ۱۰۰:۱۸  
 آدمی ، ۱۱۶:۱۲

۴- با الف نمودار همزه میانجی پس از واژه â :  
 خدا ای : و گفته‌اند وی خدا ای است از کان جنابک کوند وی اسن جه  
 بوذ کی تو کردی ، ۲۰۰:۱۳

ج- بعنوان «بای مصدری» :  
 ۱- پس از واژه u که با «واو» نوشته شده. در این مورد همخوان میانجی (y = ی) یا همزه حذف شده  
 است: (جادوی = جادویی یا جادویی)  
 جادوی : روی نمی‌کنید مکرمردی را میان تهی و جادوی دراموخته و جادوی  
 کرده ، ۵۹:۱۲

۲- پس از واژه  $\hat{a}$  که با الف نوشته شده، در این مورد همخوان میانجی (y = ی) یا همزه نوشته نشده:  
(کدخدای = کدخدائی یا کدخدایی)

کدخدای : گروهی گفتند کی زن را کدبانوی بهتر و مرد را کدخدای ،  
۳۲۵:۱۰

و نیز :

تنهای ، ۱۶۳:۱۱

۳- با الف نمودار همزه میانجی پس از واژه  $\hat{a}$  :

توانا ای : یعنی نه توانا ای دارند مرکی را نه رندکانی را و نه انکیختن را  
بدید آمد ، ۵۸:۹

د- بعنوان «یای نسبت» :

پس از همخوان پیوندپذیر و پیوسته به واژه پیش از خود :

قبطی : بشت دستی زد قبطی را موسی ، ۱۶۰:۴

عربی : و از جمله انبیا بنح عبرانی بودند و بنح عربی ، ۲۱۰:۴

ه- بعنوان «نشانه اضافه» (ye =) پس از «های ناملفوظ» (e =) : معجزه موسی  
(= معجزه موسی)؛

معجزه موسی : گفتند معجزه موسی در اشفاق قمر مهتر ار معجزه موسی  
بود ، ۸۹:۲۰

خواهرزاده‌ی : و نشانده کی مرد برادرزاده و خواهرزاده‌ی خویش را سند ،  
۳۶:۶

خانه‌ی : اگر مردی در خانه‌ی خویش شود ، ۲۰:۶

کله‌ی : و این انتها را بر خواند و کله‌ی خویش از قاذفان نکرد ، ۲۴:۱۶

سکنبه‌ی : یکی را فرمود تا سکنبه‌ی استری ساوردند ، ۱۰:۱۲

ساقه‌ی : جنابک عادت ساقه‌ی لشکر باشد ، ۲۲:۱۲

یادآوری : گاهی ی بعنوان نشانه اضافه محذوف است:

بسزا : پادشاهی بسزا ان روز خدای نمکوکار را نود ، ۶۳:۱۹

و نیز :

جا ابادانی ، ۱۵:۱۸۶

جاهها انرا ، ۳:۷۰

جفاها اهل مکه ، ۱۰:۱۰

دستها ایشان ، ۴:۳۰

و - بعنوان « نشانه استمرار » در فعل ماضی :

۱- پس از همخوان پیوندناپذیر :

خوانندی : و ان ابکینه کوی ستاره‌ی است روشن دُری بضم دال خوانندی

هم و دُری بکسر دال خوانندی همراه -ردو منسوب باشد ،

۱۸:۳۹

و نیز :

بوذی ، ۲۰:۲۲

امذی ، ۲۰:۲۲

اوردی ، ۱۸:۲۲

خواستندی ، ۴:۵۱

فروزدی ، ۸:۴۰

۲- پس از همخوان پیوندپذیر و پیوسته به واژه پیش از خود :

خواستیمی : و کر خواستیمی ما فرستادیمی در هر شهری بیم کننده‌ی سعی

رسولی ، ۵:۷۰

و نیز :

فرستادیمی ، ۵:۷۰

مکرفتمی ، ۵:۶۴

کردیمی ، ۴:۱۵۸

ز - ۶ :

( یای کوچک شده که مانند همزه بنظر می‌رسد و امروز بیشتر روی « هـای ناملفوظ » قرار دارد و نمودار نشانه اضافه ye می‌باشد.)

۱- پس از واژه q که با الف نوشته شده است :

داستانه‌اء : هدی زند و بدید می‌کند خدای سحابه و تعالی و تقدس داستانها  
مردمان ، ۴۰:۱۳

۲- بر روی «های ناملفوظ» که نمودار واژه e می‌باشد :

زهره : زهره وی بحکد ، ۳۰۲:۱۶

ح - ۷ : سماهی بی نقطه است:

باسته : بدرستی کی همی باز خوانی ایشان را براه راست و باسته و درست  
و ان راه اسلام است ، ۵:۱۸

و نیز :

ازین ، ۱:۱۵

مکی ، ۱:۱۱

ایشان ، ۱:۱۰

## ی

(پایانی)

الف - در اصل کلمه :

۱- پس از واژه‌های q و u که با الف و واو نوشته شده‌اند :

خدای : گروه فرعون ای بنترسید از خدای که او را هم‌تاه کویند و بهره‌یزند  
از ازار او ، ۷۹:۲۰

و نیز :

خدای ، ۶۸:۹

نای ، ۶۴:۲۰

وی ، ۳۱۷:۸

وی ، ۲۱:۳

۲- پس از همخوانهای پیوندپذیر و پیوندناپذیر:

برخی : تاریکیهای برخی از آن زیر برخی مثل کافر چون قبل انکس است

که در دریا مانده بود ، ۴۳:۹

و نیز :

زانی ، ۱۸:۱۹

ولی ، ۷۷:۴

وحی ، ۸۲:۱

یعنی ، ۶۱:۴

دی ، ۱۶۱:۱۸

ب- بعنوان «نشانه استمرار» در فعل ماضی پس از همخوان پیوندناپذیر:

می داشتندی : هر یکی را حربه‌ی اتشن تا دیوان را از قران دور می داشتندی ،

۱۰۷:۲

و نیز :

اوردندی ، ۷۸:۲۰

امذندی ، ۳۲۶:۲

بوشیذندی ، ۳۲۶:۳

بردی ، ۶۹:۶

کشتندی ، ۶۹:۶

نهادندی ، ۲۲:۸

گرفتندی ، ۲۲:۸

ج - بعنوان پی‌بند شناسهٔ دوم شخص مفرد :

۱- پس از همخوان پیوندپذیر و پیوسته به آن :

خواهی : من عهد دارم کی طعام هیچ مشرك نخورم کرمی خواهی که من از  
طعام تو بخورم کلمه‌ی توحید بکوی ، ۶۴:۱۲

و نیز :

دهی ، ۳۱۷:۱۸

نهی ، ۱۳:۲

۲- پس از همخوان پیوندناپذیر :

کردی : و بندگان را رسوا کردی و در حال عذاب کردی ، ۲۱:۹

و نیز :

فرستادی ، ۶۵:۱۶

د - بعنوان پسوند نسبت پس از همخوان پیوندپذیر :

عبرانی : و گفته‌اند ناصد سال بود و از حمله انبیا مسح عبرانی بوزند و مسح

عربی ، ۲۱۰:۳

ه - بعنوان نشانهٔ نکره :

۱- پس از «های ناملفوظه» ( = e ) :

محفه‌ی : و کویند در محفه‌ی می‌آوردند خون از دور می‌آمد ، ۳۱۷:۱۱

کوشه‌ی : بدرستی کی دست در زد در کوشه‌ی استوارترین و آن توحید

است ، ۲۷۱:۱۷

بنده‌ی : بنده‌ی بوذ حبشی ، ۲۶۳:۷

بزه‌ی : نیست بر نابینا ننکی و بزه‌ی ، ۵۲:۳

۲- پس از همخوان پیوندپذیر و پیوسته به واژهٔ پیش از خود :

زنی : و زنی دیگر را از بنی زهره خواستاری کرد ، ۳۱۹:۸

و نیز :

کسی ، ۶۴:۱

کروهی ، ۴۷:۹

راهی ، ۹۶:۶

نوعی ، ۱۰۸:۱۱

۳- پس از همخوان پیوندناپذیر :

دری : بر هر دری هفتاد حاجب کاه فرشتگان می آیند با هدیه‌ها و سلام خدای ،

۷۷:۳

و نیز :

مهرتری ، ۱۰۴:۱۲

فرواورذنی ، ۶۳:۱۷

دیگری ، ۳۲۳:۱۷

و - بعنوان «پای مصدری» :

۱- پس از همخوان پیوند پذیر و پیوسته به واژه پیش از خود :

بدرستی : بدرستی کی دست در زد ، ۲۷۱:۱۷

و نیز :

تمامی ، ۲۷:۹

کواهی ، ۱۸:۱۶

شومی ، ۱۰۲:۴

۲- پس از همخوان پیوندناپذیر:

بفرزندی : گفته‌اند کی موسی حواب فرعون بران معنی داد کی تو مرا

بفرزندی بر کرفتی ، ۸۲:۶

و نیز :

برتری ، ۱۲۷:۱۸

برخورداری ، ۲۷۲:۶

یاری ، ۴۷:۲

زشت کاری ، ۲۶:۱۵

ز - بعنوان «نشانه اضافه» پس از واژه‌های â و e :

خدای : بس استوار کرد بر عرش ان خدای مهربان نکوکار ، ۷۲:۵

شهرهای : کف چه دینی کفم شهرهای شام بدیدم ، ۳۰۱:۱۷

سراپهای : ان باک‌تر و صواب‌تر شما را از نشستن بر در سراپهای مردمان ،

۳۳:۱۲

یادآوری: همزه روی «ئ» فقط در کلمه «نئی» آمده است: النئی ، ۲۹۲:۳ یا

نئی الله ، ۲۹۲:۴

د - (=ئ - یا ی -) بعنوان همخوان میانجی نماینده همزه یا y

الف - پس از واژه‌های â یا u که با الف یا واو نموده شده:

بحادوسی : و چگونه بحادوسی می‌فریند شما را ، ۸:۱۰

و نیز :

حداسم ، ۴:۱

نماسم ، ۹:۱۶

خدایی ، ۹:۷

بیناسها ، ۶:۱۱

کوسم ، ۹:۸

کوائی ، ۲:۱۴

جدایی ، ۲۰:۱۴

روشنایی ، ۴۰:۹

ب- در بعضی از نامهای خاص:

حمریل : خدای تعالی مصطفی را می گفت حنین کوی و حسن کن حمریل بود

سفیروی ، ۱۱:۱۰۴

و نیز :

حمریل ، ۴:۱۶۲

## - ی

پایانی

در اصل کلمه پس از واژه  $\hat{a}$  که با الف نوشته شده:

خدای : يك قصه در قرآن بچند کرات و تارات خدای تعالی بفرستاد ، ۷:۸۷

(نیز نگاه کنید به که )

یادآوری : در کلمه «کی» گاهی دو نقطه زیر « ی » وجود دارد.

## - ی

الف- بعنوان همخوان میانجی نمودار همزه یا ی ( $y=$ ) میان دو واژه:

بیایید : گفت بس بیایید تا بس فردا روز يك شنبه شمشیر در کردانیم ،

۲:۳۱۷

و نیز :

بیایید ، ۱:۳۱۷

ب- در اصل کلمه نمودار  $y$  که دنبال آن همزه آمده است:

سیئات : مراد از ان عمل صالح اخلاص است در امان و مومن مخلص را

سیئات بود ، ۱۶:۲۰۵

و نیز :

هیت ، ۱۲۹:۴

سیه ، ۲۸۷:۹ و ۲۸۷:۱۰



## بخش دوم

نکته‌های املائی در واژه‌های مرکب و مشتق



نامها و صفات مرکب (همکرد) که اجزاء آن جدا نوشته شده:

ولی عهد ، ۱۱۵:۱۳

بت خانه ، ۹۱:۳

تدرستان ، ۳۹۷:۸

تبه کاران ، ۱۵۲:۱۱

بارکشتن های ، ۴۹:۱۷

نمرور ، ۱۳۱:۱۵

تنک دلی ، ۱۴۴:۱

نادان کونه ، ۲۳۸:۱۲

راه نمایی ، ۶۹:۳

فرمان برداری ، ۴۷:۱۲

کردن کشی ، ۱۹۷:۱۳

راست کویان ، ۱۰۳:۱۳

اب خوری ، ۱۰۰:۲۰

درست کار ، ۲۶:۱۳

راه که ، ۶۱:۸

ولی عهد ، ۱۱۵:۱۳

بت خانه ، ۹۱:۳

تدرستان ، ۳۹۷:۸

تبه کاران ، ۱۵۲:۱۱

بارکشتن های ، ۴۹:۱۷

نمرور ، ۱۳۱:۱۵

تنک دلی ، ۱۴۴:۱

نادان کونه ، ۲۳۸:۱۲

راه نمایی ، ۶۹:۳

فرمان برداری ، ۴۷:۱۲

کردن کشی ، ۱۹۷:۱۳

راست کویان ، ۱۰۳:۱۳

اب خوری ، ۱۰۰:۲۰

درست کار ، ۲۶:۱۳

راه که ، ۶۱:۸

زیان کار ، ۱۱۵:۹  
نیک سخت ، ۱۴۶:۱۲  
سُبک دست ، ۸۴:۶  
غیب دان ، ۱۴۲:۱۶  
دل سوز ، ۹۶:۹  
دل کشای ، ۱۲۹:۹  
دروغ زن ، ۸۰:۲  
نیک خواه ، ۲۵۰:۱۹  
ماه زده ، ۲۲:۸  
ملک زاذکان ، ۱۶۰:۱۷  
یک ساله ، ۱۱۸:۱۶  
یک باره ، ۶۶:۱۱

### پیشوندهای اشتقاقی

۱- بی- همیشه جدا از واژه پس از خود:

بی همتا : یعنی خدای است بی همتا بی عیب و بی افت منزله از همه عیوب ،

۲۲۱:۱

و نیز :

بی فروغ ، ۲۱:۱۲

بی عیب ، ۲۲۱:۱

بی افت ، ۲۲۱:۱

۲- هم- :

الف - پیوسته به واژه پس از خود :

همکنان : و برهانیدیم او را و خانه دان او راهمکنان مکرپیرزنی درواماندکان

یعنی زن لوط ، ۱۰۲:۶

و نیز :

همتا ، ۸:۴

همکنان ، ۹۰:۹

(و نیز نگاه کنید به قیدهای مرکب)

ب - جدا از واژه پس از خود:

هم‌نشستی : مباش هم‌نشستی مرنا کرویدکان را خطاب رسول را و مراد غیر

او را مکردانند ، ۲۰۲:۸

هم‌نشست ، ۲۳۹:۱۰

## پسوندهای اشتقاقی

۱ - بان:

الف - جدا از واژه پیش از خود:

نکه‌بانی : ای سو بروی نکه‌بانی و کماشته‌ی تا بقهر او را برحق داری ،

۶۸:۳

و نیز :

نکه‌بان ، ۱۶۵:۱۵ و ۱۸۳:۶

ب - پیوسته به واژه پیش از خود:

سایبانها : و چون در اید بر ایشان یعنی بر اهل کشتی نرّ آی حو سایبانها ،

۲۷۵:۱۲

۲ - بار جدا از واژه پیش از خود:

سبک‌بار : وی را کعب ای حوا بمرد اس بارکران بر بشت حرا می‌داری

فرو نه با سبک‌بارکردی ، ۲۶۶:۲۰

۳- بدان جدا از واژه پیش از خود:

خانه‌دان : ای بار خدای من برهان مرا و خانه‌دان مرا از اینجا ایشان می‌کنند،

۱۰۲:۲

و نیز :

حراعدان ، ۴۰:۱۹

۴- زار:

الف - جدا از واژه پیش از خود:

کشزار : مرد بنطاره‌ی کشزارها سرون آمد حنابک عادت وی بودی ،

۲۶۳:۱۷

ب - پیوسته به واژه پیش از خود:

مرغزار : طاعتها ایشان در مرغزارهای باشند ، ۲۴۳:۳

۵- کار و گمار:

الف - پیوسته به واژه پیش از خود:

ستمکار : آن روز می‌کزد و می‌خاید ستمکار دو دست خویش را از حسرت

کوید ، ... ، ۶۴:۵

و نیز :

کامکار ، ۱۰۲:۱۶

سمکاران ، ۵۹:۱۱ و ۴۷:۱۵ و ۹:۵

رستمکاران ، ۴۷:۱۹ و ۱۴:۱۱ و ۱۲:۶

ب - جدا از واژه پیش از خود:

که‌کاران : و منافقان از آن به نصیب باشند اینجا نماید که‌کاران اهل سنت

و حماعت ، ... ، ۲۷۶:۲۰

و نیز :

صواب‌کار ، ۲۴۷:۵

۶ - گان پسوند عددی پیوسته و جدا:

هفتکان و هشت کان : رسول گفت انبوهی مکنید بهوشك (؟) بسینید هفتکان  
و هشت کان بربك كاسه بس دعای برکت بر تنور و  
بُرمه بکرد ، ۵۶:۱

۷ - گاه :

الف - پیوسته به واژه پیش از خود:

شبانگاه : وی را طعامکی داذندی شبانگاه انرا نزدابوب بردی بس شبانگاهی  
می آمد دست تهی چیزی نیافته بود ، ۳۸۸:۷

و نیز :

جایگاه ، ۸۸:۸

بابگاه ، ۱۵۴:۳

ب - جدا از واژه پیش از خود:

دست گاه : و می خواستیم کی دست گاه و بایگاه دهمه ایشان را در ان زمین ،  
۱۵۴:۳

و نیز :

ارام گاههای ، ۱۸۶:۱۴ و ۶۳:۱۲

منزل گاهی ، ۲۸۷:۲۰

کره گاه ، ۱۶۰:۱۹

نزهت گاه ، ۲۴۳:۵

۸ - گر پیوسته یا جدا از واژه پیش از خود:

توانگری : و کرده ایم برخی از شمار برخی را از مونی یعنی گروهی را  
توانگری داذمه و گروهی را دروشی ، ۶۲:۵

و نیز :

خواهش کر ، ۲۸۰:۶

توانکران ، ۴۱:۹

۹- - گن و - گین :

الف - پیوسته به واژه پیش از خود:

اندوهکن : گفت یا ام المومنین اندوهکن چرا ای خواهی کی خدای ان اندوه

از دل تو ببرد ، ۳۱۹:۲۰

و نیز :

اندوهکن ، ۱۰:۹

اندوهکن ، ۱۱۷:۱۵ و ۵۰:۱۸

خشمکن ، ۲۳۷:۴

ب - جدا از واژه پیش از خود:

اندوه کن : و هر که نکرود اندوه کن مکنذا ترا یا محمد ناکرویدن او و گفته-

اند این ایت درشان بوطالب آمد ، ۲۷۱:۱۹

و نیز :

اندوه کن ، ۳۴۸:۱۱ و ۳۱۹:۱۹

۱۰- - وار (فقط صورت پیوسته):

بزرکوار : کی رسد نامه‌ی بزرکوار نامه‌ی طرب‌افزای دل‌کشای ، ۱۲۹:۹

بررکوار ، ۱۴۱:۱۷ و ۲۷۴:۱۹

۱۱- - مند (فقط صورت پیوسته پس از همخوانهای پیوندپذیر):

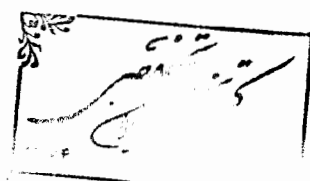
دانشمندان : یا نبوذ ایشان را معنی اهل مکّه را نشانی و حجتی بر رسالت

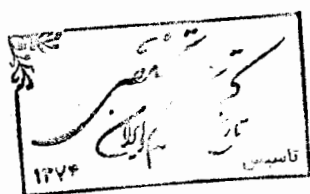
محمد آنکه می‌داسد او را دانشمندان و فرزندان یعقوب کر بر

نوب مصطفی بیش ران حجت سودی ، ۱۰۵:۱۴

و نیز :

مستمندی ، ۱۶۴:۱۰





| صفحه | سطر | نادرست                  | درست                           | بازگشت به متن بنیادی |
|------|-----|-------------------------|--------------------------------|----------------------|
| ۷    | ۱۵  | که                      | کی                             | ۳۰۵:۹                |
| ۸    | ۲۰  | نعمت                    | نعت                            | ۲۲۴:۵                |
| ۹    | ۵   | نکرده است               | نکرده است                      | ۱۱:۱۱                |
|      |     | (است زیر عنوان «رابطه») | در این مثال است فعل یاریگر است |                      |
| ۹    | ۸   | کرده است                | کرده است                       | ۴۸:۲۰                |
|      |     | (است زیر عنوان «رابطه») | در این مثال است فعل یاریگراست  |                      |
| ۱۰   | ۵   | کی او را                | کی او راست                     | ۸:۶                  |
| ۱۱   | ۱۹  | ایم                     | -ایم                           | -                    |
| ۱۴   | ۴   | و سختیهای او            | و سختنیهای او                  | ۱۲:۷                 |
| ۱۹   | ۹   | که                      | کی                             | ۱۴۹:۵                |
| ۱۹   | ۱۲  | ۳۳۲:۵                   | ۲۳۲:۵                          |                      |
| ۲۰   | ۱۱  | ۳۹۳:۱                   | ۳۶۳:۱                          |                      |
| ۲۰   | ۱۷  | حیوه                    | حیوه تو                        | ۹:۱۷                 |
| ۲۴   | ۳   | فکر                     | مکر                            | ۲:۴                  |
| ۲۵   | ۱۰  | ملطعه                   | ملطعه                          | ۲۳۸:۱۹               |
| ۲۷   | ۸   | در را                   | در راه                         | ۴۱۴:۵                |
| ۲۹   | ۱۶  | اعلا                    | اعدا                           | ۱۱۷:۱۶               |

| صفحه | سطر | نادرست                    | درست                                  | بازگشت به متن بنیادی |
|------|-----|---------------------------|---------------------------------------|----------------------|
| ۳۱   | ۸   | بر بداشت                  | بداشت                                 | ۲۹۴:۲۰               |
| ۳۱   | ۸   | یکچند                     | یکچند                                 | ۲۹۴:۲۰               |
| ۳۱   | ۱۷  | معهود                     | معهور                                 | ۳۹۴:۱                |
| ۳۲   | ۱۴  | فرارسیده                  | فراررسیده                             | ۱۴۲:۱۶               |
| ۳۷   | ۱۲  | رحمن                      | رحمن                                  |                      |
|      |     | (زیر عنوان «نامهای عربی») | در این مثال رحمن صفت است              | ۲:۱۰                 |
| ۴۱   | ۱۳  | خدای                      | خدای                                  |                      |
|      |     | (ی زیر عنوان «یای نکره»)  | (ی زیر عنوان «یای مصدری»)             | ۸۰:۱۲                |
| ۴۱   | ۱۴  | روشنای                    | روشنای                                |                      |
|      |     | (ی زیر عنوان «یای نکره»)  | (ی زیر عنوان «یای مصدری»)             | ۷۶:۱۲                |
| ۴۷   | ۱۰  | کردی                      | کردی                                  |                      |
|      |     | (ی زیر عنوان «یای شناسه») | (ی زیر عنوان «یای استمراری»)          | ۲۱:۹                 |
| ۴۸   | ۴   | راهی                      | راهی                                  |                      |
|      |     | (ی زیر عنوان «یای نکره»)  | (ی زیر عنوان «یای مصدری»)             | ۹۶:۶                 |
| ۵۷   | ۲۱  | سبک بار                   | باید در ذیل «نامها و صفات مرکب» بیاید |                      |